

## حقوق بین الملل عمومی

و با استعانت این اسناد و مدارک میتوان بآسانی که در روابط متقابل دول معمول بوده و هست بی برده و بدین وسیله به قسمتی از قواعد بین المللی آنگاه گردید .  
**سوم قوانین داخلی و احکام محاکم قضائی-**  
بعضی از قواعد حقوق بین الملل از قوانین داخلی دول مأخوذ شده است مثلاً چنانکه سابقاً مذکور گردید قواعد راجعه بانحصار و برقراری نمایندگان سیاسی و ترتیب انعقاد عهد و تشکیل محاکم برای غنائم بحری که در موقع جنگ تأسیس میگردد و همچنین احکام محاکم مختلط که در سنه ۱۸۷۹ در مصر برقرار شده است از جمله منابع حقوق بین الملل محسوب میشود .

این نکته را باید متذکر گردید که اهمیت احکام محاکم بنابر قوانین دول متفاوت است مثلاً بموجب مقررات قانون انگلیس احکام محاکم در آن کشور حکم قانون را دارد در صورتیکه در ایران این قبیل احکام بهیچوجه رسمیت قانونی نداشته و فقط میتوانند سابقه برای صدور احکام متماثل بشود و فقط اهمیت عقیده را داراست و نسبت به مقام و معلومات صادرکننده حکم اهمیت آن کم و بیش میشود .

**عقاید و نظریه علمای حقوق -** در قواعد حقوق بین الملل علمای حقوق اهمیت زیادی را قائل هستند زیرا تفسیر مواد مبهمه و عهد و تعیین و تشخیص عادات و رسوم بین الملل و پیشنهاد اصلاحاتی که بایستی در قواعد حقوق بین الملل بعمل آید از وظایف آنهاست .

اهمیت نظریه و تألیفات علمای حقوق بین الملل مربوط بپایه علم و اطلاع آنها بوده و مواقع انتشار نیز بی اثر در اهمیت آنها نمیشد . مثلاً هرگاه عقیده در موضوع اختلافیکه بین دو دولت رخ نموده است قبل از ظهور اختلاف اظهار شود بیشتر طرف توجه خواهد بود تا عقیده که بعد بیان گردیده باشد . علاوه اثر و اهمیت عقاید علمای حقوق که مستخدم دولت نیستند با عقاید آنها یکسان مستخدم

دولت میباشد متفاوت است و البته نظریات زمره اول بیشتر از عقاید زمره دوم طرف توجه و اعماد میباشد زیرا آنها در تحت تأثیر هیچ نفوذ رسمی واقع نشده اند و همچنین تابعیت علما در اهمیت نظریه آنها کاملاً مؤثر است مثلاً مبنای عقاید علمای حقوق انگلیس نفوذ و سبادت بحری آندولت و مبنای نظریه علماء ایتالیا اصل ملیت که وسیله تشکیل آندولت است میباشد .  
انجمن های ذیل برای بحث و مطالعه در مسائل مربوطه به حقوق بین الملل تشکیل یافته و خدمات شایانی در این رشته نموده اند .

**انجمن های حقوق بین الملل - ۱ -** انجمن حقوق بین الملل شهر (کان) Gand که در ۱۸۷۳ تأسیس یافته و از علمای تمام حقوق دول مختلفه بوسیله انتخاب تشکیل میگردد و همه ساله در یکی از شهر های اروپا اجلاس نموده در موضوع مسائل مهمه حقوق بین الملل که قبلاً بواسطه کمیسیونهای مخصوص تحت مطالعه قرار گرفته مباحثه مینماید این انجمن بهیچوجه رسمیت نداشته و مرام آن ترقی و بسط و انتشار علم حقوق بین الملل است .  
**۲ -** انجمن تطبیقی قوانین که در پاریس تأسیس یافته و قوانین ملل مختلفه را با یکدیگر تطبیق و بوسیله انتشار جریده مخصوص توجه عامه را با اصلاحات لازمه جلب مینماید .

**۳ -** انجمن قانون بین الملل شهر میلان .

**۴ -** انجمن اصلاح و تدوین حقوق بین الملل انگلیس .

**۵ -** انجمن حقوق بین الملل که در اواخر سنه ۱۹۱۵

در امریکا تأسیس یافته و بیست و یک دولت امریکای شمالی و مرکز آن و جناب در آن عضویت دارند . مرام این انجمن تدقیق در قوانین و مسائل مهمه بین المللی است و مطالبی را که دولت اتانزونی باید در کنفرانس آنیه صالح ناهه پیشنهاد نماید در این انجمن تهیه میشود .

**۶ -** در ۱۹۱۷ در موقع مذاکرات مقدمات صلح

داشت در حق آنها معمول میباشند.

ثانیاً در آن ایام وضعیت معمولی و طبیعی روابط بین الملل جنک بوده و بنابر این فقط عادات بین المللی که در آن زمان بوجود آمد عادات متعلقه به جنک بود از قبیل ایجاد مأمورینی موسوم به ( فیه سیو ) Féciaux که در رم مکلف با اعلان جنک و انعقاد صلح بودند.

تا زمانی که دول حکمران و متساوی الحقوق در عالم وجود نیافت حقوق بین الملل نمیتوانست وجود خارجی پیدا کند و چنانکه سابقاً مذکور گردید دول « رم » و « یونان » فقط خود را صاحب حقوق و امتیاز میدانستند و اجانب را با خود متساوی الحقوق قرار نداده بودند علاوه چون مدتی هم دولت « رم » اغلب دول را مطیع خود قرار داده بود حقوق بین المللی نمیتوانست وجود خارجی پیدا نماید و ضرورت آن محسوس نمیکردید و فقط قواعدی که طرف احتیاج و توجه واقع شد عبارت بود از حقوق و امتیازات سفرا و رسولان و احترام عهود و رعایت پاره ترتیبات برای اعلان جنک.

**قسمت دوم از قرون وسطی الی معاهده « وستفالی »**  
چنانکه مذکور گردید در عهد عتیق هیئت جامعه بین المللی وجود نداشت و فقط در قرون وسطی دول متعدده در اروپا تشکیل یافته و چون هر یک از آنها متوقع بود که سایر دول حقوق او را پایمال نکرده و آزادی و استقلال او را مراعات نمایند شالوده هیئت جامعه بین الملل ریخته شده و در روابط بین المللی تغییرات عمده حاصل گردید.

در حقیقت هیئت جامعه که بدو در اروپا تشکیل یافت هیئت جامعه مذهبی بود چه تمام دول مسیحی در تحت اقتدار و سلطه پاپ که در واقع سلطان السلاطین آن عصر بود قرار گرفته و اوامر او را واجب اطاعه میدانستند و لسی در قرن شانزدهم در نتیجه سستی که در عقاید مذهبی ظاهر گردید در روابط بین دول تغییرات عمده حاصل شد و این تغییرات نتیجه اختلافات مذهبی و ترقی علوم و صنایع بود. در نتیجه اصلاحاتی که در امر مذهب بعمل آمد اتحاد مذهبی دول اروپا از هم پاشیده و هم

هیئت اتحادیه علمای حقوق بین الملل مرکب از نمایندگان دولیکه بایستی جامعه ملل را تأسیس نمایند تشکیل یافته و مرام آن هیئت تسوین حقوق بین الملل موافق احتیاجات کنونی و روابط بین المللی است.

**اهمیت منابع مختلفه حقوق بین الملل -**  
منابع مختلفه حقوق بین الملل که در فوق مذکور گردید از حیث اهمیت در یک درجه قرار نگرفته و هر گاه اختلافی بین دو دولت ظهور نماید بدو باید به عهود مراجعه شود و در صورت فقدان عهدنامه باید عادات و رسوم بین المللی مورد توجه قرار گیرد و هر گاه بدین وسیله حل قضیه میسر نگردد باید بقواعد حقوق بین الملل طبیعی یعنی به تألیفات و عقاید اظهار شده علمای حقوق بین الملل متوجه گردید و موافق نظریه که آنها اظهار نموده اند اختلاف تولید شده را مرتفع ساخت.

## تاریخ حقوق بین الملل

تاریخ حقوق بین الملل را میتوان به پنج قسمت منقسم نمود:

قسمت اول از عهد عتیق الی قرون وسطی.  
قسمت دوم از قرون وسطی الی معاهده وستفالی Westphalie ۱۹۱۸  
قسمت سوم از معاهده وستفالی الی انقلاب فرانسه.  
قسمت چهارم از انقلاب فرانسه الی عهدنامه وین ۱۸۱۵  
قسمت پنجم از عهدنامه وین الی جنک اروپائی ۱۹۱۴  
قسمت ششم از ۱۹۱۴ به بعد  
**قسمت اول از عهد عتیق الی قرون وسطی -**  
در ازمنه قدیمه قوی ترین و معروف ترین دول روی زمین دولت روم و یونان بودند و از طرز رفتار دولتین مذکورترین با سایر دول مطالب ذیل را در موضوع حقوق بین الملل میتوان بدست آورد:

اولاً در آن عصر هیئت جامعه از دول وجود نداشته و هر ملتی فقط خود را دارای حقوق میدانست مثلاً رمانها اشخاصی را که غیر از ملت آنها بودند دشمن خود پنداشته و تمام اقداماتی را که نسبت بدشمن میتوان معمول و مجری

کیشی که در واقع اساس روابط بین‌المللی بود اثرات خود را از دست داد و بواسطه ترقی علوم خیالات بشر توسعه یافته و پایه روابط بین‌المللی متکی بر اصل جدیدی که

بهبود ملاحظات مذهبی در آن وجود نداشت بر قرار گشت و اصل مزبور که بعدها باصل موازنه سیاسی اروپا منجر گردید ناشی از این شد که دول بمتافع عمومی خود متوجه گردیده و باین نکته برخورد نمودند که همگی آنها بایستی مراقب استقلال یکدیگر بوده و حفظ حقوق و روابط متقابل را عهده دار گردند.

و نیز در همان عصر بواسطه کشف قطعه امریکا آزادی دریاها مطرح گردیده کروئیوس Grotius که یکی از علمای حقوق هلند و موجد علم حقوق بین‌الملل است کتابی موسوم به Mare liberum در باب آزادی تألیف و در آن کتاب چنین اظهار نظر نمود که هیچ دولتی دارای حق حاکمیت مطلق در دریاها نبوده و تمامی آنها باسویه دارای حق کشتی رانی میباشند و در رد نظریه مذکور (سلدون) که یکی از مبرزین علم حقوق انگلیس بود کتابی موسوم به Mare clausum در باب مسدود تألیف و در سال ۱۶۳۵ منتشر نمود.

در قرن هفدهم بواسطه تشکیل چند دولت بزرگ اصل موازنه سیاسی قوت یافته و پیش از پیش استناد گاه روابط ملل گردید چه در هر يك از دول جدید التاسیس احساسات ملی نشو و نما یافته و هر يك سعی کامل داشتند با نهایت استقلال و آزادی زیست کرده با اصلاحات و ترقی و تعالی کشور خود پردازند لهذا در موقعی که یکی از دول اروپا دارای اقتدار فوق‌العاده میگردید سایر دول بایکدیگر هندست شده و از ادامه ترقی آن دولت جلوگیری می نمودند و نیز در نتیجه همین موازنه سیاسی بود که ریشلیو دولت فرانسه را بخصومت و جنگ با دولت اطریش وادار کرده و باقتدار و سلطه که دولت مزبور دارا گردیده بود سکنه بزرگی وارد آورد و همچنین اتحاد دول اروپا بر ضد فرانسه در زمان سلطنت لوئی چهاردهم از جمله نتایج موازنه اروپائی است.

**معاهده وستفالی ۱۶۴۸** - این معاهده مرکب از دو قرار دادی است که در سنه ۱۶۴۸ یکی در شهر « مونستر » Munster و دیگری در شهر « اسنابروک » Osnabruck که هر دو در وستفالی واقع میباشند منعقد گردید هر گاه در دو معاهده مذکور قدری دقت شود ملاحظه خواهد گردید که اهمیت فوق‌العاده را دارا هستند زیرا تا آن تاریخ دیده نشده بود که عدّه از سلاطین و شاهزادگان در يك جا جمع شده و در امور کشورهای خود با یکدیگر مذاکره و مشورت نمایند و عادت وقوع چنین امری این است که در قرن هفدهم دول اروپا بیکدیگر را از حیث تمدن در يك درجه دانسته و باشتراك منافع خود چنانکه باید متوجه شده بودند چه در « مونستر » نمایندگان دول نه فقط امور خصوصی خود را تحت مطالعه قرار دادند بلکه امور داخلی دول نیز از قبیل سوریس و هلاند در آن مجمع مطرح گردید. نتایجی که از معاهده وستفالی حاصل

و نیز در همان عصر بواسطه کشف قطعه امریکا آزادی دریاها مطرح گردیده کروئیوس Grotius که یکی از علمای حقوق هلند و موجد علم حقوق بین‌الملل است کتابی موسوم به Mare liberum در باب آزادی تألیف و در آن کتاب چنین اظهار نظر نمود که هیچ دولتی دارای حق حاکمیت مطلق در دریاها نبوده و تمامی آنها باسویه دارای حق کشتی رانی میباشند و در رد نظریه مذکور (سلدون) که یکی از مبرزین علم حقوق انگلیس بود کتابی موسوم به Mare clausum در باب مسدود تألیف و در سال ۱۶۳۵ منتشر نمود.

**قسمت سوم از معاهده وستفالی الی انقلاب فرانسه ۱۶۴۸ - ۱۷۸۹** - در این ایام دول اروپا پایه روابط متقابله خود را بموازنه سیاسی متکی نموده و چند معاهده مهمی که در حقیقت اساس حقوق بین‌الملل حالیه است منعقد نمودند. معاهدات مذکوره عبارت است از: اولاً معاهده « وستفالی » ثانیاً معاهده « پیرنه » ثالثاً معاهده « اوترخ »

**موازنه سیاسی اروپا** - چنانکه مذکور گردید دول اروپا بمتافع سیاسی خود آگاهی حاصل نموده و متوجه شده بودند که باید فرداً فرد حافظ استقلال یکدیگر گردیده و نگذارند دولی باعلی درجه قدرت برسند و استقلال سایر دول را تحدید نمایند و این نظریه و سیاست را سیاست موازنه اروپا گویند و موافق این اصل است که فرانسوای اول پادشاه فرانسه سالها باشار لکن مبارزه نموده و نگذاشت

شد از قرار ذیل است :

اولاً آزادی مذهب و تساوی حقوق پرتستانها با کاتولیکها برقرار گردید

ثانیاً بالنتیجه تفوقی که پاپ در قرون وسطی نسبت به عموم سلاطین مسیحی دارا گردیده بود از بین رفت

ثالثاً - استقلال ایالات متحده « هلند » و دولت سویس رسماً اعلام و ترقی خانواده « براند بورك » که بعد ها مؤسس دولت پروس گردید از آن تاریخ شروع شد.

« ماهلهه » « پیره نه » Pyrenées از لحاظ حقوق بین الملل مهمترین مقررات این عهدنامه عبارت است از اینکه چون دختر پادشاه اسپانی بزوجیت لوئی چهاردهم در آمده بود پادشاه فرانسه از حقوقی که ممکن بود عیال خود روزی بتخت و تاج اسپانی پیدا کند صرف نظر نمود و این شرط از جمله نتایج اصل موازنه اروپا است

« ماهلهه اوترخ Utrecht ۱۷۱۳ - این معاهده بین دیول فرانسه و اسپانی و انگلیس و هلند برای خاتمه دادن بجنگی که در موضوع وراثت تخت و تاج اسپانی بر پا گردیده بود منعقد و از حیث اهمیت کمتر از معاهده وستفالی نمیباشد زیرا بموجب مقررات آن تغییرات عمده در بعضی کشورها بعمل آمد چنانچه بلژیک از دولت اسپانی تجزیه و بدولت اطریش واگذار گردید و دولت اسپانی جبل الطارق و دولت فرانسه « آکادی » Acadie و « تر نو Terre-Neuve » را بانگلیس واگذار نمودند و « الکتودو براند بورك »

« آکادی » Acadie و « تر نو Terre-Neuve » را بانگلیس واگذار نمودند و « الکتودو براند بورك » را بانگلیس واگذار نمودند و « الکتودو براند بورك » رسماً عنوان پادشاهی دوات پروس را دارا شد و بلاوه دول اصل موازنه اروپا را از دست نداده و مقرر داشتند که هیچوقت سلطنت اسپانی و فرانسه نمیتواند تعلق بیکنفر بگیرد

وقایع مهمه که بعد از معاهده اوترخ بوقوع رسید عبارت است از :

اولاً ظهور دولت روسیه و داخل شدن آن در حوزه دول اروپا . دولت مذکور در نتیجه عهدنامه قیزارخه که

در ۱۷۷۴ با دوات ترکیه منعقد نمود شبه جزیره کریمه را متصرف و بسرحد طبیعی خود یعنی بیجر اسود واصل گردید .

ثانیاً - ترقی متمادی دوات پروس . این دولت در زمان سلطنت فردریک کبیر باعلی درجه اقتدار و شکوه رسیده بود

ثالثاً - تفزل دول سوئد و اسپانی و هلند راپاً - اعلان استقلال دولت اتازونی در چهارم ژویه ۱۷۷۶

در این ایام مسائل مهمه بین المللی از قبیل آزادی دریا ها . آزادی صید ماهی حق نفتیش و محاصره بحری و غیره مطرح شد

قسمت چهارم از انقلاب فرانسه الی عهدنامه وینه ۱۸۱۵

انقلاب فرانسه اثرات مفیدی در حقوق بین المللی بخشیده و در نتیجه اصل حق حکمرانی مال حق پیدا کردند که موافق اراده خود ترتیب حکومت خود را بر قرار دارند و در شرایط سکته یکی از شرایط تصرف مشروع اراضی قرار گرفت و بعد ها در اثر تکامل الی ملیت بر سه ظهور رسید

قسمت پنجم از ۱۸۱۵ الی جنگ بین المللی ۱۹۱۴

کنگره وینه ۱۸۱۵ - بعد از انقراض سلطنت ناپلئون اول دول معظمه اروپا کنگره در وینه تشکیل دادند و در این مجلس بنقشه اروپا بدون توجه باصل ملیت و اراده سکته و با رعایت اصل موازنه اروپا تغییراتی وارد آوردند . از این تاریخ به بعد در اروپا يك جامعه بین المللی واقعی موسوم بجامعه پنجگانه مرکب از انگلیس اطریش پروس روسیه و فرانسه تأسیس یافت و اعضاء جامعه متعهد شدند که ولو با توسل بقوه قهریه باشد نگذارند سایر ملل برضد تصمیمات کنگره وینه اقداماتی بعمل آورند